■ چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ ■ ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ■ ۴ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۸ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق

۲

مواد غذایی با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی تاکنون به‌طور میانگین ۱۰۰ درصد گران شده است

هشدار درباره تکرار شوک حذف ارز ترجیحی در حامل‌های انرژی
کالابرگ قادر به خنثی‌سازی آثار تورمی آزادسازی قیمت‌ها نیست

با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی ۷,۵ میلیون تومان از جیب هر خانوار برداشته شد

براساس آمار، ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوار در فاصله حذف ارز ترجیحی تا پایان مهر ماه امسال به‌طور میانگین بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند؛ به این معنا که هزینه تهیه همین مجموعه مواد غذایی برای خانوار بیش از ۱۲ میلیون تومان افزایش یافته است. این در حالی است که دولت در قالب سیاست کالابرگ، برای هر نفر یک میلیون تومان و اخیراً برای بخشی از مردم یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کرده است. بنابراین، حتی با فرض دریافت کالابرگ یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی برای تمام اعضای یک خانوار سه نفره، مجموع حمایت ماهانه به ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد؛ رقمی که کمتر از ۳۸ درصد افزایش هزینه ۱۲ میلیون تومانی این مجموعه مواد غذایی را پوشش می‌دهد.

به بیان دیگر، خانوار سه‌نفره برای جبران افزایش قیمت همین ۵۰ قلم مواد غذایی، با شکافی حدود ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی مواجه است؛ شکافی که باید از محل کاهش سایر هزینه‌ها، مصرف کمتر یا درآمدهای اضافی جبران شود.

مواد غذایی	قیمت قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی (تومان)	قیمت در مهر ۱۴۰۵ (تومان)	درصد گرانی
روغن نباتی جامد	۱۰۵,۴۰۰	۴۸۲,۴۰۰	۳۵۸
روغن مایع	۹۳,۵۰۰	۴۰۴,۳۰۰	۳۳۲
سس مایونز	۶۸,۹۰۰	۲۲۱,۵۰۰	۲۲۱
موز	۱۵۲,۷۰۰	۴۰۴,۳۰۰	۱۶۵
تخم مرغ	۱۲۷,۳۰۰	۳۱۷,۵۰۰	۱۴۹
هویج فرنگی	۳۹,۸۰۰	۹۶,۷۰۰	۱۴۳
بادمجان	۴۳,۲۰۰	۱۰۴,۵۰۰	۱۴۲
سس گوجه فرنگی	۷۲,۴۰۰	۱۷۳,۹۰۰	۱۴۰
پنیر پاستوریزه	۱۱۵,۱۰۰	۲۷۴,۲۰۰	۱۳۸
کنسرو ماهی تن	۱۱۶,۷۰۰	۲۷۱,۲۰۰	۱۳۲
سیب‌زمینی	۴۳,۵۰۰	۱۰۰,۷۰۰	۱۳۱
پسته	۱,۳۸۳,۲۰۰	۳,۱۷۱,۶۰۰	۱۲۹
پرتقال	۹۴,۸۰۰	۲۰۹,۸۰۰	۱۲۱
رب گوجه فرنگی	۱۲۰,۹۰۰	۲۶۶,۶۰۰	۱۲۱
مغز بادام درختی	۱,۲۴۹,۶۰۰	۲,۷۱۹,۰۰۰	۱۱۸
برنج خارجی درجه یک	۱۴۴,۲۰۰	۳۰۹,۵۰۰	۱۱۵
دوغ پاستوریزه	۶۵,۷۰۰	۱۴۰,۶۰۰	۱۱۴
شیر پاستوریزه	۶۵,۵۰۰	۱۳۹,۸۰۰	۱۱۳
پیاز	۳۴,۵۰۰	۷۳,۶۰۰	۱۱۳
چای خارجی بسته‌ای	۵۶۲,۵۰۰	۱,۱۹۱,۶۰۰	۱۱۲
نوشابه گازدار	۵۶,۳۰۰	۱۱۶,۰۰۰	۱۰۶
گوشت گاو یا گوساله	۹۱۵,۲۰۰	۱,۸۶۴,۴۰۰	۱۰۴
ماست پاستوریزه	۹۱,۲۰۰	۱۸۵,۲۰۰	۱۰۳
گوشت گوسفند	۹۰۳,۴۰۰	۱,۸۲۵,۴۰۰	۱۰۲
شیرینی خشک	۲۴۳,۴۰۰	۴۷۹,۱۰۰	۹۷

مواد غذایی	قیمت قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی (تومان)	قیمت در مهر ۱۴۰۵ (تومان)	درصد گرانی
قند	۹۳,۲۰۰	۱۸۰,۵۰۰	۹۴
ماهی قزل‌آلا	۳۸۹,۶۰۰	۷۵۴,۳۰۰	۹۴
کشمش پلویی	۳۸۳,۱۰۰	۷۳۸,۶۰۰	۹۳
شکر	۶۹,۳۰۰	۱۳۳,۰۰۰	۹۲
رشته آش	۶۱,۶۰۰	۱۱۵,۵۰۰	۸۸
گوشت مرغ	۱۴۹,۵۰۰	۲۷۹,۶۰۰	۸۷
شیرخشک	۲۰۶,۸۰۰	۳۸۴,۹۰۰	۸۶
خامه پاستوریزه	۶۵,۹۰۰	۱۲۰,۱۰۰	۸۲
مغز گردو	۱,۱۱۶,۶۰۰	۱,۹۹۵,۸۰۰	۷۹
کره پاستوریزه	۷۰,۰۰۰	۱۱۹,۳۰۰	۷۰
نخود	۱۹۹,۷۰۰	۳۳۰,۱۰۰	۶۵
کدو سبز	۵۳,۸۰۰	۸۷,۸۰۰	۶۳
قارچ	۲۳۲,۷۰۰	۳۷۴,۴۰۰	۶۱
عدس	۱۹۴,۰۰۰	۳۱۲,۱۰۰	۶۱
ماکارونی	۳۴,۵۰۰	۵۴,۸۰۰	۵۹
برنج ایرانی درجه یک	۳۴۸,۵۰۰	۵۴۴,۸۰۰	۵۶
انار	۱۳۰,۲۰۰	۱۹۹,۷۰۰	۵۳
لپه	۲۵۴,۵۰۰	۳۶۸,۶۰۰	۴۵
لوبیا قرمز	۲۹۸,۰۰۰	۴۰۹,۳۰۰	۳۷
سیب	۱۳۶,۶۰۰	۱۸۳,۲۰۰	۳۴
لیموترش	۲۳۴,۷۰۰	۳۰۸,۵۰۰	۳۱
لوبیا چیتی	۴۵۷,۳۰۰	۵۳۹,۰۰۰	۱۸
خیار	۷۰,۳۰۰	۸۱,۷۰۰	۱۶
گوجه فرنگی	۵۹,۲۰۰	۶۸,۳۰۰	۱۵
مجموع	**۱۲,۲۷۶,۰۰۰**	**۲۴,۲۹۸,۸۰۰**	**۱۰۳ درصد میانگین گرانی**

۴

قالیباف گرانی را دید اما ریشه تورم را ندید



وقتی بانک مرکزی هر روز ارز را گران می‌کند، تعزیرات چگونه جلوی تورم را بگیرد؟

رئیس مجلس شورای اسلامی به گرانی‌های افسارگسیخته و فشار سنگین معیشتی بر مردم واکنش نشان داد، اما در اظهارات خود به جای پرداختن به ریشه اصلی تورم، عمدتاً بر گران‌فروشی و ضعف نظارت بر بازار تمرکز کرد؛ رویکردی که اگرچه بخشی از مشکلات بازار را هدف می‌گیرد، اما نمی‌تواند پاسخگوی علت اصلی جهش قیمت کالاهای اساسی باشد.

محمدباقر قالیباف با اشاره به گزارش‌های میدانی و گلایه‌های به‌حق شهروندان گفت: «گرانی‌های اخیر و نوسانات قیمت‌ها، فشار سنگینی را بر خانواده‌ها وارد کرده است. متأسفانه یکی از آسیب‌های جدی بازار، پراکندگی قیمت‌ها و نبود نظارت مؤثر و قاعده‌مند است که زمینه سوءاستفاده سوداگران و واسطه‌ها را از شرایط جنگی ایجاد کرده است.» وی در ادامه خواستار نظارت فوری وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات حکومتی بر نظام توزیع و قیمت‌گذاری کالاها شد و تأکید کرد که مردم ایران، با ایستادگی قهرمانانه و عزتمندانه در یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ، شایسته بهترین خدمات و حمایت‌ها هستند.



چارصوت
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۸



فرمانده کل قوا و معماری دکترین جدید بازدارندگی ایران

دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با فرمانده معظم کل قوا، از ترسیم رویکردی تازه در بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد؛ رویکردی که با گسترش دامنه پاسخ به تهدیدات فراتر از مرزهای جغرافیایی، به‌روزرسانی بانک اهداف و اتکا به آمادگی نظامی و حضور مردم، هزینه هرگونه تجاوز مجدد به کشور را افزایش می دهد.

دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا، با تأکید بر آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابله پرقدرت با دشمنان و ضرورت بازدارندگی حداکثری، حامل پیام روشنی به دشمنان جمهوری اسلامی ایران بود؛ پیامی که در آن، هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخی فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود.

رهبر انقلاب در این دیدار، ضمن تأکید بر ضرورت آمادگی نیروهای مسلح، بر رویکردی تأکید کردند که بر اساس آن، پاسخ به تهدیدات دشمن به محدوده جغرافیایی مشخصی محدود نخواهد بود. این فرمان راهبردی و مهم در شرایطی مطرح می شود که احتمال تکرار تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، ضرورت بازتعریف دامنه پاسخ و تقویت بازدارندگی را بیش از گذشته برجسته کرده است.

در همین زمینه، اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، با اشاره به تأکیدات رهبر انقلاب درباره گسترش دامنه جنگ در صورت تکرار اشتباه دشمن، گفت: این همان فرمایش امام شهیدمان است که فرمودند اگر این بار هم اشتباه کنید، جنگ فراتر از مرزهای ایران ادامه پیدا خواهد کرد.

کوثری با بیان اینکه رهبر شهید انقلاب پیش‌تر بر این موضوع تأکید کرده بودند، اظهار کرد: این موضوع مجدداً از سوی فرمانده معظم کل قوا به فرماندهان ابلاغ شد تا هم یادآوری و هم هشداری به دشمن باشد که در صورت تکرار اشتباه، با شدت بسیار بیشتری و در گستره جغرافیایی وسیع‌تری با آن برخورد خواهد شد.

از جنگ منطقه‌ای تا پاسخ فرامنطقه‌ای

سپهر خلجی، کارشناس مسائل سیاسی، نیز با اشاره به دو محور مهم در بیانات فرمانده معظم کل قوا، یعنی پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی به تهدیدات و به‌روزرسانی بانک اهداف، تأکید کرد که این رویکرد می تواند فصل جدیدی در رویارویی ایران با آمریکا و متحدان آن ایجاد کند.

وی با اشاره به اظهارات دبیرکل ناتو درباره انجام ۵ هزار پرواز از پایگاه‌های اروپایی در جریان جنگ ۴۰ روزه علیه اهداف ایرانی، این موضوع را نشانه‌ای از مشارکت کشورهای فرامنطقه‌ای در جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران دانست.

خلجی معتقد است که با توجه به دستور جدید صادرشده برای نیروهای مسلح، دامنه پاسخ ایران ممکن است دیگر به اهداف منطقه‌ای محدود نباشد و هر نقطه‌ای که از آن تهدیدی علیه جمهوری اسلامی صورت بگیرد، در معرض پاسخ قرار گیرد. این کارشناس مسائل سیاسی همچنین با اشاره به تأکید رهبر انقلاب بر به‌روزرسانی بانک اهداف، اظهار کرد: اگر پیش از این برخی اهداف و منافع دشمن بنا به ملاحظاتی مورد تعرض قرار نمی گرفت، در رویارویی احتمالی آینده ممکن است این محدودیت‌ها برداشته شود و اهداف شناسایی شده در دستور کار قرار گیرند.

از نگاه خلجی، چنین وضعیتی می تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌تری نیز برای آمریکا، اروپا و کشورهای منطقه به همراه داشته باشد.

زارعان: در صورت تجاوز مجدد آمریکا، جنگ را فرامنطقه‌ای خواهیم کرد

احمد زارعان، کارشناس مسائل منطقه، نیز با تأکید بر ترکیبی بودن پاسخ ایران به هرگونه تجاوز احتمالی گفت: اگر دشمن آمریکایی-صهیونیستی بار دیگر مرتکب تجاوز به جمهوری اسلامی ایران شود، پاسخ ایران به یک محدوده جغرافیایی یا یک سطح از درگیری محدود نخواهد شد و از همه ابزارهای موجود در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استفاده خواهد شد.

وی با اشاره به تجربه جنگ رمضان افزود: همان‌طور که در جریان جنگ رمضان، جنگ را منطقه‌ای کردیم و به منافع آمریکا در منطقه ضربه زدیم، اگر آمریکا بار دیگر آن حماقت را تکرار کند، جنگ را فرامنطقه‌ای خواهیم کرد و به منافع آمریکا در خارج از منطقه نیز ضربه خواهیم زد.

زارعان همچنین با اشاره به احتمال خروج تجهیزات نظامی آمریکا از منطقه تأکید کرد که این اقدام لزوماً به معنای مصون ماندن تجهیزات و منافع آمریکا از پاسخ ایران نخواهد بود.

این کارشناس مسائل منطقه معتقد است که تدابیر اتخاذشده از سوی فرمانده معظم کل قوا و فرماندهان نیروهای مسلح، با تکیه بر ظرفیت‌های نظامی آماده‌شده، امکان پاسخ به تجاوز احتمالی را فراهم می کند.

خروج از NPT اقدام دیگری در آینده خواهد بود؟

وی در بخش دیگری از سخنان خود، احتمال خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را نیز یکی از گزینه‌های قابل بررسی در صورت حمله مجدد به تأسیسات هسته‌ای کشور دانست و با انتقاد از عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال حملات قبلی آمریکا و رژیم صهیونیستی، گفت که در چنین شرایطی، ادامه عضویت در این پیمان باید از منظر منافع ملی مورد ارزیابی قرار گیرد.

حضور مردم؛ ضلع دیگر بازدارندگی

در کنار آمادگی نظامی و تعیین دامنه پاسخ به تهدیدات، تأکید بر نقش مردم نیز یکی از محورهای مهم بیانات رهبر انقلاب در این دیدار بود؛ موضوعی که کوثری و خلجی نیز در تحلیل‌های خود بر آن تأکید کردند.

کوثری با یادآوری تأکیدات امام خمینی (ره) و رهبر شهید انقلاب بر جایگاه مردم در نظام اسلامی، حضور و همراهی مردم را عاملی مهم در ناکام گذاشتن دشمن دانست و گفت که مسئولان نیز باید با رسیدگی به مسائل مردم، قدردان این همراهی و فداکاری باشند.

خلجی نیز حضور مردم در خیابان‌ها و میدان‌ها را یکی از عوامل بازدارندگی در برابر دشمن ارزیابی کرد و تأکید داشت که استمرار این حضور، در کنار آمادگی نیروهای مسلح، نقش مهمی در حفظ کشور و مقابله با اقدامات خصمانه دارد.

بازدارندگی حداکثری با پاسخ فوری و اثرگذار

مجموع محورهای مطرح‌شده در دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با فرمانده معظم کل قوا، از آمادگی رزمی هوشمندانه و به‌روزرسانی بانک اهداف تا پاسخ بدون محدودیت جغرافیایی و تأکید بر نقش مردم، بر یک پیام مشترک استوار است: جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات، تصمیمات فرامنطقه‌ای خواهد گرفت.

بر این اساس، تأکید بر پاسخ فوری و اثرگذار به هر سطح و نوعی از تهدید، در کنار آمادگی نیروهای مسلح و حضور مردم در میدان، مؤلفه‌هایی هستند که در چارچوب راهبرد بازدارندگی حداکثری مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ راهبردی که هدف آن، افزایش هزینه هرگونه تجاوز و جلوگیری از تکرار محاسبات اشتباه دشمن است.



با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی؛

۷/۵ میلیون تومان از جیب هر خانوار برداشته شد

- **مواد غذایی با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی تاکنون به طور میانگین ۱۰۰ درصد گران شده است**
- **هشدار درباره تکرار شوک حذف ارز ترجیحی در حامل‌های انرژی؛ کالابرگ قادر به خنثی‌سازی آثار تورمی آزادسازی قیمت‌ها نیست**

گزارش

گزارش مرکز آمار نشان می دهد ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوار از زمان حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دی‌ماه گذشته تا پایان مهرماه امسال به طور میانگین بیش از ۱۰۰ درصد گران شده است.

تا قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، مجموع قیمت این ۵۰ قلم مواد غذایی ۱۲ میلیون تومان بود اما در مهرماه امسال به ۲۴ میلیون تومان رسیده است.

یعنی برای هر خانوار هزینه خرید مواد غذایی ۱۲ میلیون تومان بیشتر شده، در حالی که دولت به هر نفر یک میلیون تومان و اخیرا برای نصف مردم ۱/۵ میلیون تومان پول داده است.

با احتساب بُعد خانوار ۳ نفره، کالابرگ ۱/۵ میلیون تومانی خانوار به ۴/۵ میلیون تومان رسیده، در حالی که مواد غذایی ۱۲ میلیون تومان گران شده است.

گزارش مرکز آمار ایران از قیمت ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوار، پرده از ابعاد تازه‌ای از هزینه تحمیل‌شده به مردم پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برداشته است؛ به‌طوری که مجموع قیمت این اقلام از حدود ۱۲ میلیون و ۲۷۶ هزار تومان پیش از حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه سال گذشته، به بیش از ۲۴ میلیون و ۲۹۸ هزار تومان در مهرماه امسال رسیده است.

بر اساس این آمار، ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوار در فاصله حذف ارز ترجیحی تا پایان مهرماه امسال به‌طور میانگین بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند؛ به این معنا که هزینه تهیه همین مجموعه مواد غذایی برای خانوار بیش از ۱۲ میلیون تومان افزایش یافته است.

این در حالی است که دولت در قالب سیاست کالابرگ، برای هر نفر یک میلیون تومان و اخیراً برای بخشی از مردم یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کرده است. بنابراین، حتی با فرض دریافت کالابرگ یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی برای تمام اعضای یک خانوار سه نفره، مجموع حمایت ماهانه به ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد؛ رقمی که کمتر از ۳۸ درصد افزایش هزینه ۱۲ میلیون تومانی این مجموعه مواد غذایی را پوشش می دهد.

به بیان دیگر، خانوار سه نفره برای جبران افزایش قیمت همین ۵۰ قلم مواد غذایی، با شکافی حدود ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی مواجه است؛ شکافی که باید از محل کاهش سایر هزینه‌ها، مصرف کمتر یا درآمدهای اضافی جبران شود.

روغن، تخم‌مرغ و لبنیات؛ قربانیان اصلی حذف ارز ترجیحی

بررسی جزئیات جدول مرکز آمار نشان می دهد روغن نباتی جامد با افزایش ۳۵۸ درصدی و روغن مایع با رشد ۳۳۲ درصدی، بیشترین جهش قیمت را در میان اقلام پرمصرف تجربه کرده‌اند. قیمت روغن نباتی جامد از ۱۰۵ هزار و ۴۰۰ تومان به ۴۸۲ هزار و ۴۰۰ تومان و روغن مایع از ۹۳ هزار و ۵۰۰ تومان به ۴۰۴ هزار و ۳۰۰ تومان رسیده است. تخم‌مرغ نیز با افزایش ۱۴۹ درصدی، از ۱۲۷ هزار و ۳۰۰ تومان به ۳۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است. پنیر پاستوریزه ۱۳۸ درصد، شیر پاستوریزه ۱۱۳ درصد، دوغ پاستوریزه ۱۱۴ درصد و ماست پاستوریزه ۱۰۳ درصد گران‌تر شده‌اند. در بخش پروتئین نیز قیمت گوشت گوسفند ۱۰۲ درصد و گوشت گاو و گوساله ۱۰۴ درصد افزایش یافته است. قیمت گوشت مرغ نیز با رشد ۸۷ درصدی از ۱۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان به ۲۷۹ هزار و ۶۰۰ تومان رسیده است.

این ارقام نشان می دهد افزایش هزینه خوراک خانوار صرفاً به چند قلم محدود نشده، بلکه طیف گسترده‌ای از کالاهای ضروری، از روغن و تخم‌مرغ گرفته تا گوشت، لبنیات و حبوبات را دربرگرفته است.

حذف ارز ترجیحی؛ جبران ناقص با کالابرگ

یکی از توجیهات دولت برای حذف ارز ترجیحی، انتقال یارانه از ابتدای زنجیره واردات به انتهای زنجیره مصرف و پرداخت مستقیم آن به مردم بود؛ سیاستی که قرار بود مانع انحراف یارانه و موجب حمایت مؤثرتر از خانوار شود.

اما آنچه در عمل رخ داده، افزایش سنگین قیمت مواد غذایی و شکل‌گیری فاصله قابل توجه میان حمایت نقدی و هزینه واقعی خرید کالاهای اساسی است.

در شرایطی که قیمت ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف در مجموع بیش از ۱۲ میلیون تومان افزایش یافته، پرداخت ۱ تا ۱.۵ میلیون تومان کالابرگ برای هر نفر، حتی در صورت تخصیص کامل به تمام اعضای خانوار، نمی تواند افزایش هزینه خوراک را جبران کند.

به این ترتیب، سیاستی که قرار بود حمایت از مصرف‌کننده را تقویت کند، در عمل با افزایش شدید هزینه تهیه مواد غذایی همراه شده و خانوارها برای حفظ سطح مصرف پیشین خود ناچار به پرداخت مبالغ بسیار بیشتری هستند.

کوچک شدن سفره مردم زیر سایه گرانی

افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی قیمت مواد غذایی پرمصرف، صرفاً یک تغییر در شاخص‌های آماری نیست؛ این افزایش به معنای کاهش قدرت خرید، فشار بر بودجه خانوار و دشوارتر شدن تأمین اقلام ضروری زندگی است.

وقتی هزینه تهیه مواد غذایی به‌طور چشمگیری افزایش می یابد، خانوارها ناچارند برای مدیریت مخارج خود از سایر هزینه‌ها بکاهند یا مقدار و کیفیت مصرف مواد غذایی را کاهش دهند. این مسئله به‌ویژه برای خانوارهای کم‌درآمد که سهم بیشتری از درآمد خود را صرف خوراک می کنند، اهمیت بیشتری دارد.

گزارش مرکز آمار از افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف، بار دیگر ضرورت بازنگری در سیاست‌های ارزی و حمایتی دولت را برجسته می کند؛ سیاست‌هایی که باید به جای انتقال بار افزایش قیمت‌ها به مصرف‌کننده، قدرت خرید مردم و دسترسی آنان به کالاهای اساسی را در اولویت قرار دهند.

در چنین شرایطی، پرسش اساسی این است که اگر هدف حذف ارز ترجیحی، حمایت مؤثرتر از مردم بوده است، چرا هزینه تهیه مواد غذایی پرمصرف خانوار در کمتر از یک سال بیش از ۱۲ میلیون تومان افزایش یافته، اما حمایت جبرانی دولت تنها بخش محدودی از این فشار را پوشش می دهد؟

هشدار درباره تکرار شوک حذف ارز ترجیحی در حامل‌های انرژی

پس از گرانی ۱۰۰ درصدی مواد غذایی، نوبت بنزین و برق است؟ آزادسازی قیمت‌ها، موج جدید تورم را به سفره مردم تحمیل می کند. در شرایطی که حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، هزینه تهیه ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوار را تا پایان مهرماه بیش از ۱۲ میلیون تومان افزایش داده، اظهارات اخیر پزشکیان درباره اصلاح تدریجی وضعیت بنزین، برق و گازوئیل و استفاده از منابع حاصل برای تأمین کالا و بهبود معیشت مردم، نگرانی‌ها درباره تکرار تجربه شوک قیمتی در بخش انرژی را افزایش داده است.

مسعود پزشکیان ۱۰ آبان‌ماه در جلسه شورای اطلاع‌رسانی دولت اعلام کرد اصلاح وضعیت بنزین، برق و گازوئیل به‌تدریج و با برنامه‌ریزی انجام خواهد شد و منابع حاصل از آن برای تأمین کالا و بهبود معیشت مردم مورد استفاده قرار می گیرد. وی همچنین کاهش مصرف برق و سایر حامل‌های انرژی را زمینه‌ای برای آزادسازی منابع مالی و افزایش حقوق کارکنان عنوان کرد.

این اظهارات در حالی مطرح می شود که تجربه حذف ارز ترجیحی نشان داده است افزایش قیمت کالاهای اساسی، حتی در صورت پرداخت یارانه نقدی و کالابرگ، می تواند فشار سنگینی بر قدرت خرید خانوارها وارد کند. اکنون بیم آن می رود که همان الگوی انتقال یارانه از کالا به مصرف‌کننده، این بار در حوزه انرژی تکرار شود؛ الگویی که در صورت اجرای نادرست، به جای حل مشکلات اقتصادی، هزینه‌های جدیدی را بر دوش مردم خواهد گذاشت.

هشدار صمصامی؛ با گران‌سازی انرژی، سفره مردم را کوچک‌تر نکنید



حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در واکنش به سیاست‌های گران‌سازی حامل‌های انرژی، نسبت به پیامدهای افزایش قیمت برق، بنزین و گازوئیل هشدار داده و از دولت خواسته است از تکرار سیاست‌هایی که به اعتقاد وی موجب تشدید تورم و فقیرتر شدن مردم می شود، خودداری کند.

صمصامی با انتقاد از تجربه حذف ارز ترجیحی و ناکافی بودن حمایت‌های جبرانی، هشدار داده است که تکرار این رویکرد در بخش انرژی می تواند به افزایش بیشتر هزینه‌های زندگی منجر شود. وی همچنین افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی را اقدامی پرخطر برای معیشت مردم و فعالیت‌های اقتصادی دانسته است.

این هشدار از آن جهت اهمیت دارد که افزایش قیمت حامل‌های انرژی فقط هزینه مستقیم مصرف خانوار را بالا نمی برد؛ بلکه در اقتصاد ایران، برق، گازوئیل و بنزین از نهاده‌های مهم تولید، حمل‌ونقل، کشاورزی و توزیع کالا محسوب می شوند. بنابراین افزایش قیمت آنها می تواند از مسیر افزایش هزینه تولید و جابه‌جایی، به گرانی گسترده‌تر کالاها و خدمات منجر شود.

فرشاد مؤمنی: شوک درمانی و آزادسازی قیمت‌های کلیدی، نسخه‌ای شکست‌خورده



فرشاد مؤمنی، اقتصاددان حامی پزشکیان در زمان انتخابات، نیز بارها نسبت به سیاست آزادسازی قیمت‌های کلیدی و اجرای شوک درمانی در اقتصاد ایران هشدار داده است.

وی در تحلیل سیاست‌های اقتصادی دولت چهاردهم، آزادسازی بازار ارز و حامل‌های انرژی را در امتداد چند دهه سیاست تعدیل ساختاری دانسته و تأکید کرده است که بازی با قیمت‌های کلیدی، تحت عناوینی همچون بهینه‌سازی مصرف انرژی، عادلانه‌سازی یارانه‌ها و حذف رانت، می تواند به تشدید تورم و تضعیف تولید منجر شود.

مؤمنی معتقد است شوک درمانی به جای حل مشکلات ساختاری اقتصاد، موجب آشفتگی در فرآیند تصمیم‌گیری و تخصیص منابع می شود و فشار آن بیش از همه بر خانوارها و تولیدکنندگان تحمیل خواهد شد. وی همچنین تأکید کرده است که یارانه‌های نقدی و سیاست‌های حمایتی مقطعی، جایگزین کنترل تورم و اصلاح ساختارهای تولیدی و اقتصادی نیستند.

آزادسازی انرژی؛ گرانی از کارخانه تا سفره

پیامدهای افزایش قیمت حامل‌های انرژی را باید فراتر از قبض برق و گاز یا هزینه سوخت خودروها بررسی کرد.

افزایش قیمت گاز و برق می تواند هزینه فعالیت صنایع، واحدهای تولیدی، گلخانه‌ها، مرغداری‌ها، دامداری‌ها و کارخانجات مواد غذایی را افزایش دهد. گران‌تر شدن گازوئیل نیز هزینه حمل‌ونقل جاده‌ای، انتقال محصولات کشاورزی و توزیع کالا در سراسر کشور را بالا می برد. افزایش قیمت بنزین هم می تواند هزینه رفت‌وآمد خانوارها و فعالیت مشاغل وابسته به خودرو را افزایش دهد.

در چنین شرایطی، افزایش هزینه انرژی به سرعت می تواند به افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات منتقل شود و موج جدیدی از گرانی را رقم بزند؛ موجی که آثار آن حتی به خانوارهایی که مصرف مستقیم چندانی از برخی حامل‌های انرژی ندارند نیز خواهد رسید. از سوی دیگر، اگر افزایش قیمت انرژی با کاهش قدرت خرید مردم همراه شود، خانوارها ناچار خواهند شد برای تأمین هزینه‌های ضروری، از مصرف سایر کالاها و خدمات بکاهند. این روند می تواند رکود تقاضا، کاهش فروش بنگاه‌ها و تضعیف تولید داخلی را نیز تشدید کند.

کالابرگ قادر به خنثی‌سازی آثار تورمی آزادسازی قیمت‌ها نیست

تجربه افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی قیمت مواد غذایی پس از حذف ارز ترجیحی، نشان می دهد که حمایت نقدی و کالابرگ به‌تنهایی قادر به خنثی‌سازی آثار تورمی آزادسازی قیمت‌ها نیست.

اگر دولت بخواهد قیمت بنزین، برق، گاز و گازوئیل را افزایش دهد و سپس با پرداخت یارانه یا کالابرگ بخشی از آثار آن را جبران کند، باید ابتدا مشخص کند که میزان حمایت پرداختی چگونه با افزایش هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم خانوارها تناسب خواهد داشت.

در غیر این صورت، نتیجه چنین سیاستی می تواند افزایش هزینه‌های عمومی و تولید، کاهش قدرت خرید و انتقال بخش دیگری از بار اقتصادی به مردم باشد.

پرسش از دولت: چرا مردم باید هزینه اصلاحات اقتصادی را بپردازند؟

اکنون که آثار حذف ارز ترجیحی بر قیمت مواد غذایی و هزینه زندگی خانوارها آشکار شده است، دولت باید پیش از اجرای هرگونه سیاست جدید در حوزه حامل‌های انرژی، پاسخ روشنی به چند پرسش اساسی بدهد:

- آیا آثار تورمی افزایش قیمت بنزین، برق، گاز و گازوئیل بر قیمت کالاهای اساسی و هزینه حمل‌ونقل محاسبه شده است؟
- چه تضمینی وجود دارد که منابع حاصل از افزایش قیمت انرژی، به جای ایجاد موج جدید تورمی، واقعاً به بهبود قدرت خرید مردم منجر شود؟
- آیا دولت برنامه مشخصی برای جلوگیری از افزایش هزینه تولید و تضعیف بنگاه‌های اقتصادی دارد؟
- چگونه قرار است خانوارهایی که هم‌اکنون با افزایش شدید قیمت مواد غذایی مواجه هستند، هزینه‌های جدید انرژی را تحمل کنند؟

واقعیت این است که اقتصاد ایران بیش از هر چیز به مهار تورم، ثبات بازارها، حمایت از تولید و افزایش قدرت خرید مردم نیاز دارد؛ نه تکرار شوک‌های قیمتی و وعده جبران خسارت پس از وقوع گرانی.

اگر حذف ارز ترجیحی، هزینه تهیه مواد غذایی را در کمتر از یک سال بیش از ۱۲ میلیون تومان افزایش داده است، آزادسازی گسترده قیمت حامل‌های انرژی می تواند فشار مضاعفی بر خانوارها وارد کند؛ فشاری که آثار آن نه فقط در قبض برق و گاز و هزینه بنزین، بلکه در قیمت نان، لبنیات، گوشت، حمل‌ونقل و سایر نیازهای روزمره مردم نمایان خواهد شد. سیاست اقتصادی دولت باید به جای آزادسازی شتاب‌زده قیمت‌های کلیدی، بر مهار تورم و صیانت از سفره مردم متمرکز شود؛ چراکه جبران گرانی با یارانه‌های نقدی، پس از وقوع شوک قیمتی، نه تضمین‌کننده حفظ قدرت خرید است و نه مانع کوچک‌تر شدن سفره خانوارها خواهد بود.

> **یکی از توجیهات دولت برای حذف ارز ترجیحی، انتقال یارانه از ابتدای زنجیره واردات به انتهای زنجیره مصرف و پرداخت مستقیم آن به مردم بود؛ سیاستی که قرار بود مانع انحراف یارانه و موجب حمایت مؤثرتر از خانوار شود**

منبع جدول: مرکز آمار

مواد غذایی	قیمت قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی (تومان)	قیمت در مهرماه ۱۴۰۵ (تومان)	درصد گرانی
روغن نباتی جامد	۱۰۵,۴۰۰	۴۸۲,۴۰۰	۳۵۸
روغن مایع	۹۳,۵۰۰	۴۰۴,۳۰۰	۳۳۲
سس مایونز	۶۸,۹۰۰	۲۲۱,۵۰۰	۲۲۱
موز	۱۵۲,۷۰۰	۴۰۴,۳۰۰	۱۶۵
تخم مرغ	۱۲۷,۳۰۰	۳۱۷,۵۰۰	۱۴۹
هویج فرنگی	۳۹,۸۰۰	۹۶,۷۰۰	۱۴۳
بادمجان	۴۳,۲۰۰	۱۰۴,۵۰۰	۱۴۲
سس گوجه فرنگی	۷۲,۴۰۰	۱۷۳,۹۰۰	۱۴۰
پنیر پاستوریزه	۱۱۵,۱۰۰	۲۷۴,۲۰۰	۱۳۸
کنسرو ماهی تن	۱۱۶,۷۰۰	۲۷۱,۲۰۰	۱۳۲
سیب زمینی	۴۳,۵۰۰	۱۰۰,۷۰۰	۱۳۱
پسته	۱,۳۸۳,۲۰۰	۳,۱۷۱,۶۰۰	۱۲۹
پرتقال	۹۴,۸۰۰	۲۰۹,۸۰۰	۱۲۱
رب گوجه فرنگی	۱۲۰,۹۰۰	۲۶۶,۶۰۰	۱۲۱
مغز بادام درختی	۱,۲۴۹,۶۰۰	۲,۷۱۹,۰۰۰	۱۱۸
برنج خارجی درجه یک	۱۴۴,۲۰۰	۳۰۹,۵۰۰	۱۱۵
دوغ پاستوریزه	۶۵,۷۰۰	۱۴۰,۶۰۰	۱۱۴
شیر پاستوریزه	۶۵,۵۰۰	۱۳۹,۸۰۰	۱۱۳
پیاز	۳۴,۵۰۰	۷۳,۶۰۰	۱۱۳
چای خارجی بسته‌ای	۵۶۲,۵۰۰	۱,۱۹۱,۶۰۰	۱۱۲
نوشابه گازدار	۵۶,۳۰۰	۱۱۶,۰۰۰	۱۰۶
گوشت گاو یا گوساله	۹۱۵,۲۰۰	۱,۸۶۴,۴۰۰	۱۰۴
ماست پاستوریزه	۹۱,۲۰۰	۱۸۵,۲۰۰	۱۰۳
گوشت گوسفند	۹۰۳,۴۰۰	۱,۸۲۵,۴۰۰	۱۰۲
شیرینی خشک	۲۴۳,۴۰۰	۴۷۹,۱۰۰	۹۷
قند	۹۳,۲۰۰	۱۸۰,۵۰۰	۹۴
ماهی قزل‌آلا	۳۸۹,۶۰۰	۷۵۴,۳۰۰	۹۴
کشمش پلویی	۳۸۳,۱۰۰	۷۳۸,۶۰۰	۹۳
شکر	۶۹,۳۰۰	۱۳۳,۰۰۰	۹۲
رشته‌آش	۶۱,۶۰۰	۱۱۵,۵۰۰	۸۸
گوشت مرغ	۱۴۹,۵۰۰	۲۷۹,۶۰۰	۸۷
شیرخشک	۲۰۶,۸۰۰	۳۸۴,۹۰۰	۸۶
خامه پاستوریزه	۶۵,۹۰۰	۱۲۰,۱۰۰	۸۲
مغز گردو	۱,۱۱۶,۶۰۰	۱,۹۹۵,۸۰۰	۷۹
کره پاستوریزه	۷۰,۰۰۰	۱۱۹,۳۰۰	۷۰
نخود	۱۹۹,۷۰۰	۳۳۰,۱۰۰	۶۵
کدو سبز	۵۳,۸۰۰	۸۷,۸۰۰	۶۳
قارچ	۲۳۲,۷۰۰	۳۷۴,۴۰۰	۶۱
عدس	۱۹۴,۰۰۰	۳۱۲,۱۰۰	۶۱
ماکارونی	۳۴,۵۰۰	۵۴,۸۰۰	۵۹
برنج ایرانی درجه یک	۳۴۸,۵۰۰	۵۴۴,۸۰۰	۵۶
انار	۱۳۰,۲۰۰	۱۹۹,۷۰۰	۵۳
لپه	۲۵۴,۵۰۰	۳۶۸,۶۰۰	۴۵
لوبیا قرمز	۲۹۸,۰۰۰	۴۰۹,۳۰۰	۳۷
سیب	۱۳۶,۶۰۰	۱۸۳,۲۰۰	۳۴
لیموترش	۲۳۴,۷۰۰	۳۰۸,۵۰۰	۳۱
خربزه	۵۷,۵۰۰	۷۱,۶۰۰	۲۵
لوبیا چیتی	۴۵۷,۳۰۰	۵۳۹,۰۰۰	۱۸
خیار	۷۰,۳۰۰	۸۱,۷۰۰	۱۶
گوجه فرنگی	۵۹,۲۰۰	۶۸,۳۰۰	۱۵
مجموع	۱۲,۲۷۶,۰۰۰	۲۴,۲۹۸,۸۰۰	۱۰۳

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۸

اخبار



عبرت‌های جنگ سوریه برای جنگ رمضان؛

اقتصاد و افکارعمومی

سجاد اسلامیان

بررسی تجربه‌های جنگ سوریه نشان می‌دهد که تمرکز بر اقتصاد مقاومتی و مدیریت افکار عمومی در جنگ رمضان برای محور مقاومت حیاتی است.

جنگ رمضان دومین جنگ منطقه‌ای ایران در دو دهه گذشته است که آن را از سرمی‌گذراند؛ نخستین جنگ منطقه‌ای که ایران در آن شرکت کرد، نبردهای سوریه بود؛ نبرد با دشمنانی که به گفته رهبران ایران به‌ویژه رهبر شهید انقلاب اگر در سوریه و عراق جلوی آنها گرفته نمی‌شد ایران در تهران و همدان باید به مصاف آنها می‌رفت؛ زودتر از آنچه که در سال ۱۴۰۴ با آن مواجه شد. سوریه اگرچه در مصاف نظامی یک موفقیت چشمگیر برای ایران و محور مقاومت بود و موفقیت نظامی آن را نقطه فتح حلب در ابتدای سال ۲۰۱۷ می‌توان قلمداد کرد اما این نبرد در مراحل و ابعاد ثانویه با مشکل جدی روبرو شد و حتی اگر لانه زنبوری به نام ادلب نبود شکست در عرصه‌های دیگر می‌توانست نهایتاً دیر یا زود دولت سوریه را به دست مخالفانش ساقط کند. در این مقاله می‌خواهیم این مسئله را بررسی کنیم که در کدام ابعاد باید از شکست نهایی در جنگ سوریه عبرت گرفت:

اقتصاد: مهم‌ترین ایرادی که می‌توان به حرکت ایران و دولت سوریه پس از نبرد با تروریست‌ها و پیروزی در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۷ گرفت عملکرد سست و بدون برنامه و یا متشتت برای بازسازی اقتصادی در سوریه بود. بسیاری از مردم منطقه پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه را تنها در بعد نظامی نمی‌دانستند بلکه ایجاد یک کمپین بازسازی که از قضا ایران به رهبری شهید حاج حسن شاطری در آن نقش عمده‌ای داشت را مکمل جدی این پیروزی می‌دانستند.

اما در سوریه چنین اتفاقی نیفتاد؛ درباره دلایل و چرایی آن کارشناسان اقتصادی باید سخن بگویند اما در آن حدی که نگارنده این سطور در این موجز می‌تواند به سرخط آن اشاره کند بالا بودن ریسک اقتصادی حضور در سوریه و سرمایه‌گذاری در آن، مدیریت متشتت نظامی‌ها بر ارکان ستاد اقتصادی، رقابت بی‌معنای رانتیرها برای حضور در عرصه‌های اقتصادی سوریه و درنهایت فساد بروکراتیک و اقتصادی دولت سوریه عللی بود که موجب شد یک کمپین جدی و واقعی بازسازی در سوریه شکل نگیرد. این ریسک اقتصادی پس از جنگ ۴۰ روزه نیز در ایران و منطقه وجود دارد و ایران باید بتواند با قدرت داخلی و منطقه‌ای این ریسک اقتصادی را کاهش دهد؛ در عین حال تا هنگامی که سایه جنگ و از همه مهم‌تر غده اسرائیل بر سر منطقه است این ریسک کاهش واقعی پیدا نمی‌کند و اینجاست که حضور جهادگران اقتصادی که ریسک سرمایه‌داران و کاپیتالیست‌ها برای آنها معنای آنچنانی ندارد، ضرورت پیدا می‌کند.

اگر امروز امارات متحده عربی برای عبور نقت از تنگه هرمز با استفاده از طرح «شیپ تو شیپ» و با سرمایه‌گذاری شرکت دولتی نفت ادنوک ریسک عبور از تنگه هرمز را برای شرکت‌های بیمه‌ای و کشتیرانی کم می‌کند چرا در ابعاد جهادی ایران نتواند یک حضور معنادار اقتصادی ایجاد کند.

مسئله این است که از پیش از ۱۷ اکتبر و در ساختار نظام پیمان ابراهیم طراحی شده توسط آمریکا و اسرائیل یک «جنگ توسعه» در منطقه برقرار شده بود که نماد آن «آیمک» بود و در جنوب خلیج فارس آنها که به پیمان ابراهیم می‌پیوستند می‌توانستند از مزایای توسعه‌ای آن بهره‌مند شوند که عملاً بین شمال و جنوب خلیج فارس این نبرد شکل می‌گرفت. به باور این قلم اگر جنگ رمضان یک جنگ منطقه‌ای است باید باورمندان به مقاومت در منطقه از مزایای اقتصادی این نبرد بهره‌مند شوند و برای همین کمپین بازسازی ایران باید با پیوست‌های منطقه‌ای همراه باشد لذا باید با «دید بلند» برای آینده نزدیک و میان‌مدت و چه بسا بلندمدت برنامه‌ریزی کرد و از نگاه کوته نظرانه دوری کرد.

برای نمونه مردم عراق که به‌واقع پس از شهادت رهبر انقلاب به میدان آمدند، دسته‌های عزا برپا کردند و پشت نیروهای مقاومت ایستادند و شهید دادند و آن حماسه بزرگ را در تشییع رهبری ترسیم کردند باید در این مسیر بیشترین بهره را ببرند و در این برنامه‌ریزی جایگاه ویژه‌ای داشته باشند و لبنان و یمن و حتی فلسطین نیز باید در این طرح دیده شوند. خلاصه آنکه در بعد اقتصادی ایران برای آنکه دچار آن شکست در سوریه نشود باید به صورت جهادی با کاهش ریسک‌های منطقی وارد یک کمپین بازسازی کشوری و منطقه‌ای شود و برنامه‌ریزی برای آن را نه از فردا که از امروز آغاز کند.

افکار عمومی منطقه‌ای

یکی از مهمترین دلایلی که می‌توان به عنوان دلایل شکست سوریه و سقوط دولت بشار اسد دانست انحراف و در نتیجه عدم همراهی افکار عمومی سوریه و منطقه با حضور ایران در این کشور است؛ ایران از روز اول حضور در سوریه عملاً با مشکل روایت مواجه بود تا جایی که در ابتدای امر حتی اصطلاح مدافعان حرم باب نشده بود و رسانه‌های ما نمی‌دانستند چه عنوانی را برای شهدای سوریه به کار ببرند و از آن طرف، دشمن، از رسانه به بهترین نحو ممکن برای شعله‌ورتر کردن جنگ استفاده می‌کرد. شبهه حضور ایران در سوریه در مواجهه با امری که «انقلاب» نامیده می‌شد آن هم پس از مجموعه انقلاب‌های عربی و سپس جنگ و خونریزی متبادل هیچ وقت در طول تقریباً ۱۲ سال پاسخ واقعی نیافت تا حدی که تا امروز نیز این شبهه کم و بیش ادامه دارد.

در شکل‌گیری این شبهه رسانه‌های عربی نقش موثری داشتند تا جایی که حتی پس از عملیات وعده صادق ۱ و ۲ نیز با اینکه این عملیات‌ها در راستای حمایت از مردم فلسطین و لبنان بود بسیاری مدعی شدند این عملیات‌ها «نمایشی» بیش نیست. امروز و پس از جنگ رمضان و بسته شدن تنگه هرمز و حملات ایران به منافع آمریکا در کشورهای منطقه و آسیب‌های اقتصادی وارد شده از سوی ایران به این کشورها، رسانه‌های عربی در همان راستای شبهه‌افکنی، با حمله به ایران تلاش می‌کنند تهران را عامل اصلی همه مشکلات منطقه قلمداد کنند. اگرچه وضعیت افکار عمومی پس از حمایت ایران از عملیات طوفان الاقصی و ۷ اکتبر و پس از آن انجام عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲ و شهادت فرماندهان آن و در رأس آن رهبری معظم انقلاب اسلامی نسبت به سال‌های جنگ سوریه بهتر شده است اما همچنان وضعیت مناسبی ندارد.

در همین راستا تلاش و مجاهده در جنگ رسانه‌ای اینک یک عرصه مهم است و کاهش بودجه‌های نبرد رسانه‌ای در حوزه‌های بین‌المللی عملاً ما را در این نبرد با مشکل روبرو می‌کند. نگارنده این سطور معتقد است مقوله «قلوبنا معکم و سیوفنا علیکم» امروز در میان افکار عمومی منطقه گزاره غالب است و تمرکز جدی روی افکار عمومی مسلمان و عرب منطقه به جای تمرکز بر مخاطبان غیر عرب و به‌ویژه اسرائیلی ضروری ست. از طرف دیگر فقط کار رسانه‌ای در زمینی که معمولاً بستر آن توسط دشمن تعریف شده و هر روز شبکه‌های ماهواره‌ای یا صفحات اجتماعی بسته می‌شود کافی نیست و باید به سراغ راه‌های دیگر و میانبرهای جهادی در تبلیغ همچون همکاری‌های علمی، تقویت روایت پیشرفت، همکاری‌های گردشگری و... و بیشتر در عرصه‌های غیررسمی رفت.



رشد قارچی ایرلاین با وجود زمین‌گیری ۶۰ درصد ناوگان

گزارش

در حالی بیش از ۵ شرکت هواپیمایی نوظهور در آستانه ورود به صنعت هوانوردی کشور است که همین امروز ۳۳ شرکت هواپیمایی با ۱۲۲ فروند هواپیمای سرخط فعالیت می‌کنند اما کل تعداد ناوگان هوایی کشور ۲۹۷ فروند است، درواقع ۶۰ درصد ناوگان هوایی زمین‌گیر است؛ از بین همین شرکت‌ها، ۱۲ شرکت با تعداد ناوگان کمتر از ۵ فروند فعالند و ۲۴ شـــرکت کمتر از ۵ هواپیمای سرخط دارند.

با وجود چالش‌هایی مانند تحریم‌های بین‌المللی و نوسانات ارزی، اصلاحات سازمان هواپیمایی کشوری در سال ۱۴۰۴ در موضوع کفایت سرمایه و ناوگان در تأسیس شرکت هواپیمایی نظیر کاهش حداقل ناوگان مورد نیاز برای ثبت ایرلاین از ۵ به ۲ فروند هواپیما، ورود سرمایه‌گذاران جدید را آسان‌تر کرد و هزینه‌های اولیه را برای مشتاقان این نوع سرمایه‌گذاری تا حدود ۴۰ درصد کاهش داد.

همین امر از آن سال مشوقی برای برخی فعالان اقتصادی بود که سراغ تأسیس ایرلاین در کشور بروند آن هم در شرایطی که ۳۳ شرکت هواپیمایی در کشور فعال هستند آن هم با ۱۲۲ فروند هواپیمای سرخط؛ این تقاضای توقف ناپذیر از آن مقطع سرعت گرفت اما اردیبهشت امسال بود که سازمان هواپیمایی کشور ویرایش جدیدی از دستورالعمل تأسیس و فعالیت شرکت‌های هواپیمایی بازرگانی تهیه کرد که در آن تغییراتی در شرایط هیات مدیره و کفایت مالی و همچنین تعداد ناوگان، صورت گرفته بود. در این شیوه‌نامه برای پروانه بهره‌برداری ایرلاین در «حمل مسافر، بار و پست هوایی داخلی و بین‌المللی» حداقل ناوگان به پنج فروند شامل ۳ فروند هواپیمای ملکی و دو فروند هواپیمای اجاره ارتقا یافت ضمن آنکه تاکید شد برای تأسیس شرکت، هواپیماهای تأمین‌شده باید از محل واردات به کشور و جدیدالورود باشد.

با این حال در دولت چهاردهم روند صدور پروانه تأسیس شرکت هواپیمایی و AOC سرعت گرفت و امروز همچنان شاهد روند قارچ‌گونه تأسیس ایرلاین در کشور هستیم؛ این در حالی است که مالکان و بهره‌برداران این صنعت مدام از نبود سود در فعالیت شرکت‌های هواپیمایی و گلایه از هزینه‌های سنگین ایرلاین‌داری در ایران می‌گویند و هر چند وقت یک بار با همین بهانه‌ها، دنبال افزایش بیش از اندازه نرخ بلیت هم هستند.

در تأیید مسئله افزایش بیش از اندازه تعداد شرکت‌های هواپیمایی در کشورمان و اشتیاق سیری‌ناپذیر عده‌ای برای تأسیس ایرلاین، می‌توان به اخذ پروانه بهره‌برداری و تأسیس ایرلاین‌های نوظهور اشاره کرد که برای نمونه چندین مورد در ادامه آورده شده است. اولین مورد، شرکتی به نام آران ایر است، آژانس مسافرتی پینگوتریپ با شرح وظیفه «فروش بلیت» در تلاش برای اخذ مجوز بهره‌برداری عملیاتی (AoC) و تأسیس خط هوایی تحت عنوان آران ایر با در اختیار داشتن دو فروند هواپیمای ۷۳۷ است که پیش‌تر در اجارهٔ کاسپین بوده‌اند. قطعاً اینکه منشأ تأمین هواپیماهای این شرکت، از داخل است، مغایر با مقررات تأسیس ایرلاین محسوب می‌شود، اما ظاهراً به این مسئله قانونی از سوی سازمان هواپیمایی توجهی نشده است.

دومین شرکتی که در آستانه ورود به جمع ایرلاین‌دارهای ایران است، شرکت «پارسیانا» نام دارد که در شُرف دریافت مجوز بهره‌برداری است، این شرکت هم ظاهراً قرار است با نام «ایر پارسینا» و با ناوگان ایرباس فعالیت خود را آغاز کند.

سومین ایرلاینی که قرار است به جمع دیگر ایرلاین‌های نیمه تعطیل کشور بپیوندد، «نوین ایـــر» نام دارد که در شُـــرف دریافت پروانهٔ بهره‌برداری است؛ اطلاعات زیادی از این شرکت در دسترس نیست.

شرکت چهارمی که به تازگی به جمع ایرلاین‌های کشورمان اضافه شده است، «الوند ایر» نام دارد، به تازگی نخستین تصویر از هواپیمای امبرائر E۱۴۵ شرکت هواپیمایی الوند ایر با رنگ‌آمیزی اختصاصی این شرکت منتشر شد، ظاهراً مراحل رنگ‌آمیزی این هواپیما به پایان رسیده و انتظار می‌رود الوند ایر با تکمیل چک‌های فنی و مراحل آماده‌سازی، به‌زودی به‌عنوان جدیدترین ایرلاین ایران فعالیت خود را آغاز کند؛ الوند ایر قصد دارد فعالیت خود را با هواپیماهای منطقه‌ای امبرائر ۱۴۵ با ظرفیت حدود ۵۰ مسافر آغاز کند.

دیگر ایرلاین نوظهوری که در این مقوله قابل بررسی است، «رکسان ایر» است؛ با صدور رسمی مجوز تأسیس شرکت هواپیمایی خصوصی رکسان (Rexan) توسط سازمان هواپیمایی کشوری، گروه سرمایه‌گذاری میراث فرهنگی و گردشگری ایران «سمگا» به ادعای خودشان گام بلند دیگری در تکمیل سبد خدمات جامع گردشگری خود برداشته‌اند.

سازمان هواپیمایی کشوری در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۴۰۵، طی ابلاغیه‌ای رسمی، مجوز فعالیت شرکت هواپیمایی رکسان (Rexan) در حوزه حمل‌ونقل هوایی مسافر، بار و پست را صادر کرد؛ روابط عمومی این شرکت اعلام کرده است که این توفیقشان، حاصل تلاش‌های مستمر و چشم‌انداز بلندمدت گروه سمگا برای ایجاد یک اکوسیستم جامع خدمات گردشگری است که اکنون با ورود به عرصه حمل‌ونقل هوایی، کامل‌تر می‌شود.

اسفندیار حیدرپور که مدیرعامل هلدینگ سمگا را بر عهده دارد، مدعی است که دریافت این مجوز، تنها آغاز راه است، هواپیمایی رکسان (Rexan) بلافاصله فرآیندهای تخصصی خود را برای انطباق با استانداردهای پیشرفته ایلاغی (دستورالعمل ۳۱۴۰) و اخذ گواهینامه بهره‌برداری هوایی (AOC) آغاز کرده است.

حیدری‌پور این را هم گفته است که با جدیت در حال پیشبرد مراحل اجرایی و آماده‌سازی ناوگان برای آغاز عملیات پروازی هستند.

بنابراین گزارش در حال حاضر بیش از ۳۳ شرکت هواپیمایی با ۱۲۲ فروند هواپیمای سرخط در کشور فعالیت می‌کنند این در حالی است که کل تعداد هواپیماهای ناوگان هوایی کشور ۲۹۷ فروند است و با لحاظ این آمار و ارقام، درواقع حدود ۶۰ درصد ناوگان هوایی کشور زمین‌گیر است.

از بین همین شرکت‌های فعال، ۱۲ شرکت با تعداد ناوگان کمتر از ۵ فروند فعالیت می‌کنند و ۲۴ شرکت هواپیمایی کمتر از ۵ فروند هواپیمای فعال دارند.

ضرورت دارد وزارت راه و شهرسازی و ســـازمان هواپیمایی کشوری در خصوص اجابت تقاضاهای بدون توقف در تأسیس شرکت هواپیمایی توضیح دهد؛ بسیاری از کشورهای همســـایه نظیر همیـــن ترکیه، امارات و قطر، با وجود دارا بودن ظرفیتی چندین برابر کل ظرفیت ناوگان هوایی کشـــور ما، تعدادی انگشت‌شمار شرکت هواپیمایی در صنعت هوانوردی خود دارند و بیش از آنکه به تأسیس قارچ‌گونه ایرلاین بپردازند، درواقع به توسعه قارچ‌گونه ناوگان و صندلی پرواز مشغولند امری که درنهایت موجب رشد اقتصادی کشورشان می‌شود.

در حالی بیش از ۵ شرکت هواپیمایی نوظهور در آستانه ورود به صنعت هوانوردی کشور است که همین امروز ۳۳ شرکت هواپیمایی با ۱۲۲ فروند هواپیمای سرخط فعالیت می‌کنند اما کل تعداد ناوگان هوایی کشور ۲۹۷ فروند است، درواقع ۶۰ درصد ناوگان هوایی زمین‌گیر است

حساب‌های اضافی بانکی همچنان بلاتکلیف

سامانه‌ای که قرار بود حساب‌های اضافی بانکی را غیرحضوری ببندد، حالا مردم را دوباره راهی شعب کرده است.

راه‌اندازی سامانه «حسام» قرار بود نقطه پایانی بر یکی از مشکلات قدیمی مشتریان شبکه بانکی باشد؛ انباشت حساب‌های متعدد، حساب‌های راکد و الزام به مراجعه حضوری برای بستن آن‌ها. بانک مرکزی با طراحی این سامانه به دنبال آن بود که فرآیند شناسایی و تعیین تکلیف حساب‌های مازاد را از مسیر سنتی شعب خارج کند و به یک بستر متمرکز و غیرحضوری بسپارد؛ اما تجربه نخستین روزهای فعالیت این سامانه نشان می‌دهد که دیجیتالی کردن یک فرآیند بانکی، لزوماً به معنای حل مشکلات اجرایی آن نیست.

گزارش‌های کاربران از اختلال در دسترسی، دشواری تکمیل درخواست‌ها و بلاتکلیفی در فرآیند بستن حساب‌ها، این نگرانی را ایجاد کرده که حسام نتوانسته در مرحله اجرا به اندازه وعده‌های زمان رونمایی موفق عمل کند. در مواردی نیز مشتریانی که با هدف تعیین تکلیف حســـاب‌های اضافی وارد سامانه شده‌اند، همچنان ناچارند برای پیگیری وضعیت حساب یا تکمیل فرآیند انسداد به شعب بانک‌ها مراجعه کنند. به این ترتیب، قرار بود یک سامانه الکترونیکی از رفت‌وآمد مردم بکاهد، اما ضعف در عملکرد آن می‌تواند همان مسیر پرهزینه و زمان‌بر گذشته را دوباره به مشتریان تحمیل کند.

مسئله حســـام را نباید صرفاً یک اختلال نرم‌افزاری یا مشکل مقطعی در ورود کاربران دانست. آنچه در این تجربه اهمیت بیشتری دارد، شـــکاف میان طراحی یک خدمت متمرکز در ســـطح بانک مرکزی و آمادگی عملیاتی بانک‌هایی است که باید درنهایت درخواست مشتری را اجرا کنند. اگر سامانه بتواند حساب‌ها را شناسایی کند، اما در مرحله استعلام، رفع موانع، انتقال مانده و بستن قطعی حساب به زیرساخت بانک‌ها وابسته بماند، بخش مهمی از وعده غیرحضوری‌سازی همچنان روی کاغذ باقی خواهد ماند.

از درگاه ملی دولت تا هسته‌های قدیمی بانک‌ها

یکی از نخستین چالش‌های کاربران، مسیر ورود و احراز هویت اســـت. متقاضی برای استفاده از خدمات حسام باید از طریق پنجره ملی خدمات دولت هوشمند وارد شود و مراحل احراز هویت سطح سه را پشت سر بگذارد. این الزام از منظر امنیت اطلاعات و جلوگیری از دسترسی غیرمجاز قابل دفاع است، اما برای کاربرانی که با فرآیندهای احراز هویت دیجیتال آشنایی کافی ندارند، می‌تواند نخستین مانع استفاده از خدمت باشد.

پس از ورود نیز اطلاعات حساب‌ها از سامانه یکپارچه اطلاعات حساب‌های بانکی یا همان «سیاح» دریافت می‌شود. اهمیت این مرحله در آن است که کاربر باید بتواند تصویری دقیق و به‌روز از تمام حساب‌های خود در بانک‌های مختلف داشته باشد. هرگونه مغایرت میان اطلاعات ثبت‌شده در سامانه مرکزی و وضعیت واقعی حساب در بانک عامل، می‌تواند ادامه فرآیند را با مشکل مواجه کند.

برای نمونه، اگر حسابی سال‌ها قبل بسته شده باشـــد اما اطلاعات آن همچنان در فهرست حساب‌های فعال نمایش داده شود، مشتری با وضعیتی روبه‌رو خواهد شد که امکان تصمیم‌گیری درست را از او می‌گیرد. در چنین شرایطی، سامانه‌ای که برای کاهش سردرگمی مردم طراحی شده، خود به منشأ پرسش و پیگیری تازه تبدیل می‌شود.

البته برای ارزیابی دقیق این موضوع باید میان خطای اطلاعاتی، تأخیر در به‌روزرسانی داده‌ها و اختلال در ارتباط سامانه‌ها تفاوت قائل شد. بانک مرکزی تاکنون آمار تفکیکی و جامعی از میزان مغایرت اطلاعات حساب‌ها یا تعداد درخواست‌های متوقف‌شده به این دلایل منتشر نکرده است. همین نبود اطلاعات شـــفاف، امکان ارزیابی مستقل عملکرد سامانه را دشوار می‌کند.

گره اصلی در جایی است که درخواست باید به عملیات بانکی تبدیل شود

مهم‌ترین بخش فرآیند حسام، مرحله‌ای است که درخواست ثبت‌شده از سوی مشتری باید در بانک عامل اجرا شود. در ظاهر، مسیر ساده است. فرد حساب‌های غیرضروری را انتخاب می‌کند، یک حساب را به‌عنوان حساب پایه معرفی می‌کند و درخواســـت بستن سایر حساب‌ها را به ثبت می‌رساند. سپس بانک مربوطه وضعیت حساب را بررسی می‌کند و در صورت نداشتن موانع قانونی، حساب را می‌بندد و مانده آن را به حساب مقصد انتقال می‌دهد. اما در پشت این فرآیند ظاهراً ساده، مجموعه‌ای از عملیات فنی و بانکی قرار دارد که هماهنگی آن‌ها ضروری است. سامانه باید بتواند اطلاعات حساب را از بانک عامل دریافت کند، وضعیت تعهدات مشتری را بررسی کند، موانع احتمالی را تشخیص دهد، مانده قابل انتقال را مشخص کند و درنهایت دستور بستن حساب را به‌درستی به سیستم عملیاتی بانک برساند.

این همان نقطه‌ای است که تفاوت میان یک سامانه نمایشی و یک خدمت دیجیتال کامل مشخص می‌شود.

در شـــبکه بانکی، همه عملیات‌ها لزوماً از طریق یک زیرســـاخت یکسان انجام نمی‌شوند. بانک‌ها از سامانه‌های بانکداری متمرکز یا همان Core Banking استفاده می‌کنند که سطح یکپارچگی، قدمت فناوری و قابلیت اتصال آن‌ها به سرویس‌های بیرونی متفاوت است؛ بنابراین، اگر سامانه مرکزی بانک مرکزی برای اجرای یک فرآیند یکپارچه طراحی شده باشد، اما بانک عامل نتواند تمام مراحل موردنیاز را به شکل برخط و خودکار انجام دهد، نتیجه چیزی جز ایجاد وقفه در زنجیره خدمت نخواهد بود.

برای مثال، ممکن است یک حساب ظاهراً راکد باشد، اما همچنان دارای مسدودی قدیمی، تعهد بانکی، چک تعیین تکلیف‌نشده یا ارتباط با یک خدمت فعال باشد. حتی وجود مانده اندک یا اطلاعات ناقص درباره وضعیت حساب نیز می‌تواند نیاز به بررسی بیشتر ایجاد کند. این موارد لزوماً به معنای ضعف حسام نیستند، اما سامانه‌ای که با وعده بستن غیرحضوری حساب‌ها راه‌اندازی شده، باید برای مدیریت چنین وضعیت‌هایی نیز راهکار مشخص داشته باشد. نمی‌توان انتظار داشت مشتری تمام پیچیدگی‌های ارتباط میان سامانه‌های بانکی را بشناسد و برای هر مانع احتمالی، شخصاً به دنبال یافتن راه‌حل در شعب مختلف باشد.

وقتی مشتری از علت توقف درخواست خود خبر ندارد

یکی از مهم‌ترین معیارهای کیفیت خدمات دیجیتال، شـــفافیت در اعلام وضعیت درخواســـت است. مشـــتری باید بداند درخواستش در چه مرحله‌ای قرار دارد، کدام بانک مسئول رسیدگی است، چه مانعی بر سر راه بسته‌شدن حساب وجود دارد و برای رفع آن دقیقاً چه اقدامی باید انجام دهد. اگر سامانه صرفاً پیام‌هایی کلی درباره خطای سرور، عدم تطابق اطلاعات یا امکان‌پذیر نبودن عملیات نمایش دهد، عملاً بخش مهمی از مسئولیت اطلاع‌رسانی را به دوش کاربر می‌اندازد.

در چنین وضعیتی، مشتری نمی‌داند مشکل از اطلاعات ثبت‌شـــده در سیاح است، به محدودیت‌های داخلی بانک مربوط می‌شود یا از اختلال ارتباطی میان سامانه‌ها ناشی شده است. نتیجه نیز معمولاً تکرار درخواست، تماس با مرکز ارتباط بانک، پیگیری از شعبه و درنهایت مراجعه حضوری خواهد بود.

این موضوع از منظر اقتصاد دیجیتال اهمیت زیادی دارد. یکی از اهـــداف اصلی دولت الکترونیک، کاهش هزینه مبادله است؛ یعنی کم کردن زمان، هزینه رفت‌وآمد، کاغذبازی و پیگیری‌هایی که شهروند برای دریافت یک خدمت متحمل می‌شود. اگر مشتری برای بستن یک حساب بانکی مجبور باشد چندین بار درخواست ثبت کند، منتظر پاسخ بماند و درنهایت به شعبه مراجعه کند، هزینه مبادله نه‌تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه به دلیل اضافه شدن یک مرحله الکترونیکی ناموفق افزایش یافته است. به بیان دیگر، دیجیتالی شدن زمانی ارزش اقتصادی دارد که فرآیند را کوتاه‌تر، شفاف‌تر و کم‌هزینه‌تر کند؛ نه اینکه یک لایه جدید از پیچیدگی به مسیر قبلی اضافه شود.

تناقض در آمارهای حسام: یک میلیون درخواست، اما چند حساب بسته شده است؟

بانک مرکزی در گـــزارش آماری ۱۹ مهرماه اعلام کرد از زمان رونمایی حسام، ۶۴ هزار و ۷۹۱ نفر به سامانه مراجعه کرده‌اند و برای تعیین تکلیف یک میلیـــون و ۴۴۶ هزار و ۸۵۱ حساب درخواست ثبت شده است. این آمار در نگاه نخست قابل توجه است و نشان می‌دهد تقاضای بالایی برای ساماندهی حساب‌های بانکی وجود دارد. با این حال، یک ابهام مهم همچنان باقی است. چه تعداد از این درخواست‌ها به بسته‌شدن قطعی حساب منجر شده‌اند؟

ثبت درخواست با تکمیل عملیات بانکی تفاوت دارد. ممکن است یک مشتری برای بستن ۲۰ حساب درخواست ثبت کند، اما تعدادی از آن‌ها به دلیل وجود تعهدات یا مشکلات فنی همچنان باز بمانند. در این شرایط، اعلام تعداد درخواست‌ها نمی‌تواند به‌تنهایی نشان‌دهنده موفقیت سامانه باشد.

برای سنجش واقعی عملکرد حسام باید شاخص‌هایی مانند نسبت درخواست‌های موفق به کل درخواست‌ها، متوسط زمان بستن حساب، تعداد درخواست‌های برگشتی، میزان مغایرت اطلاعات و سهم درخواست‌هایی که به مراجعه حضوری منجر شده‌اند، منتشر شود. حتی اگر میلیون‌ها درخواست در سامانه ثبت شده باشد، اما بخش قابل توجهی از آن‌ها در مرحله اجرا متوقف بماند، نمی‌توان از تحقق هدف غیرحضوری‌سازی سخن گفت.

مسئله فقط یک سامانه نیست؛ بانکداری دیجیتال با رابط کاربری ساخته نمی‌شود

تجربه حسام بار دیگر یکی از مشکلات ساختاری نظام بانکی کشـــور را برجسته می‌کند. در سال‌های اخیر، بسیاری از خدمات بانکی با هدف کاهش مراجعات حضوری به بسترهای الکترونیکی منتقل شده‌اند، اما در برخی موارد، عملیات اصلی همچنان به سامانه‌های داخلی و فرآیندهای سنتی بانک‌ها وابسته است.

درواقع، دیجیتالی‌سازی بانکداری فقط به معنای طراحی یک وب‌سایت یا ایجاد درگاه مشترک نیست. زیرساخت‌های بانکداری متمرکز باید قابلیت تبادل اطلاعات، استعلام برخط، ثبت عملیات و تسویه خودکار را داشته باشند. در غیر این صورت، سامانه‌های جدید صرفاً به واسطه‌ای میان مشتری و فرآیندهای قدیمی تبدیل می‌شوند.

از این منظر، راه‌اندازی حسام بدون اطمینان از آمادگی کامل بانک‌های عامل می‌تواند به یک گلوگاه عملیاتی منجر شود. بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر باید علاوه بر طراحی و مدیریت ســـامانه مرکزی، استانداردهای فنی اتصال بانک‌ها را نیز مشـــخص کند و برای بانک‌هایی که امکان اجرای خودکار درخواست‌ها را ندارند، برنامه اصلاح زیرساختی در نظر بگیرد.

همچنین لازم است برای هر درخواست، یک شناسه پیگیری واحد تعریف شود تا مشتری بتواند بدون مراجعه مکرر، وضعیت پرونده خود را در تمام مراحل مشاهده کند. اگر درخواست به دلیل وجود مانع قانونی رد می‌شود، نوع مانع و راه رفع آن باید به زبان روشن اعلام شود. اگر هم مشکل از زیرساخت بانک است، مسئولیت رسیدگی و زمان تقریبی رفع آن باید مشخص باشد.

بانک مرکزی باید پاسخگوی فاصله میان وعده و عملکرد باشد

هدف‌گذاری برای کاهش تعداد حساب‌های بانکی از حدود ۶۵۰ میلیون به ۳۰۰ میلیون حساب طی دو سال، بدون تردید پروژه‌ای بزرگ در مقیاس شبکه بانکی است. این هدف علاوه بر ساماندهی اطلاعات، می‌تواند به کاهش هزینه‌های نگهداری حساب‌های غیرضروری، بهبود نظارت مالی و محدود کردن بستر سوءاســـتفاده از حساب‌های اجاره‌ای کمک کند. اما تحقق چنین هدفی به همکاری مردم وابسته است و همکاری مردم نیز بدون اعتماد به سازوکار اجرایی امکان‌پذیر نیست. وقتی شهروند برای بستن حساب‌های اضافی اقدام می‌کند، باید مطمئن باشد که اطلاعات نمایش‌داده‌شده دقیق است، درخواست او در زمان معقول بررسی می‌شود و برای تکمیل فرآیند مجبور به مراجعه حضوری نخواهد شد. در غیر این صورت، انگیزه مشارکت عمومی کاهش پیدا می‌کند و طرحی که باید به ساده‌سازی خدمات بانکی منجر شود، به تجربه‌ای فرسایشی تبدیل خواهد شد.

بانک مرکزی در این مرحله باید به جای تمرکز صرف بر تعداد کاربران و درخواســـت‌های ثبت‌شده، گزارش عملکرد واقعی سامانه را منتشـــر کند. اعلام تعداد حساب‌های بسته‌شده، میانگین زمان رسیدگی، سهم درخواست‌های ناموفق و دلایل توقف عملیات می‌تواند مشخص کند مشکل دقیقاً در کدام بخش قرار دارد؛ سامانه مرکزی، اطلاعات سیاح، زیرساخت بانک‌های عامل یا فرآیندهای داخلی شعب.



چارشوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ ■ ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ ■ ۴ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۵۹۸

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

گزارش



قالیباف گرانی را دید اما ریشه تورم را ندید

ادامه از صفحه اول

با این حال، مسئله اینجاست که گرانی‌های گسترده بازار را نمی‌توان صرفاً به گران‌فروشی، واسطه‌گری یا ضعف نظارت تعزیراتی تقلیل داد؛ چراکه بخش مهمی از افزایش قیمت کالاها، مستقیماً از سیاست‌های ارزی دولت و بانک مرکزی ناشی می‌شود؛ سیاست‌هایی که هزینه تولید، واردات و تأمین مواد اولیه را به‌صورت مستمر افزایش می‌دهد.

ریشه گرانی در سیاست ارزی دولت است، نه فقط در بازار

از ۱۴ دی‌ماه سال گذشته، با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی و حرکت دولت به سمت آنچه «تک‌نرخی شدن ارز» نامیده شد، قیمت ارز مورد استفاده در تأمین کالاها و مواد اولیه با جهش قابل توجهی مواجه شده است. قیمت ارز نیمایی از حدود ۸۵ هزار تومان به ۱۸۸ هزار تومان رسیده و نرخ دلار در بازار آزاد نیز از حدود ۱۴۷ هزار تومان به ۲۷۳ هزار تومان افزایش یافته است. معنای این تحولات روشن است؛ وقتی ارز مورد استفاده برای واردات مواد اولیه، نهاده‌های تولید، کالاهای واسطه‌ای و بخش قابل توجهی از کالاهای مصرفی چند برابر می‌شود، افزایش هزینه‌ها به زنجیره تولید و توزیع منتقل شده و درنهایت مصرف‌کننده ناچار است کالاها را با قیمت‌های بالاتری خریداری کند.

در چنین شرایطی، حتی اگر تغییرات حکومتی تمام ظرفیت نظارتی خود را به کار بگیرد و با صدها یا هزاران واحد صنفی متخلف برخورد کند، نمی‌تواند افزایش هزینه‌ای را که از محل جهش نرخ ارز به تولیدکننده و واردکننده تحمیل شده است، از بین ببرد.

به بیان دیگر، تعزیرات می‌توانند با گران‌فروشی برخورد کنند، اما نمی‌توانند ارز گران‌شده را ارزان کنند؛ نمی‌توانند هزینه مواد اولیه را کاهش دهند و نمی‌توانند با جریمه مغازه‌دار، تورم ناشی از سیاست‌های ارزی را مهار کنند.

حذف ارز ترجیحی؛ شوک قیمتی که به سفره مردم منتقل شد

تجربه ماه‌های اخیر نشان می‌دهد حذف ارز ترجیحی نه‌تنها به وعده مهار رانت و تثبیت بازار منجر نشده، بلکه با افزایش نرخ ارز تأمین کالاها، زمینه جهش قیمت اقلام اساسی را فراهم کرده است.

در این میان، دولت با انتقال یارانه از ابتدای زنجیره تأمین به انتهای زنجیره مصرف، عملاً مردم را در برابر موج افزایش قیمت‌ها قرار داده است؛ درحالی که افزایش مبلغ کالابرگ یا یارانه نقدی، لزوماً نمی‌تواند همگام با رشد مستمر قیمت کالاها حرکت کند. این همان نکته‌ای است که منتقدان سیاست حذف ارز ترجیحی از ابتدا درباره آن هشدار می‌دادند: وقتی قیمت ارز و نهاده‌ها آزاد می‌شود، اما قدرت خرید مردم متناسب با آن افزایش نمی‌یابد، نتیجه چیزی جز کوچک‌تر شدن سفره خانوار نیست.

توپ را نباید فقط به زمین تعزیرات انداخت

در چنین شرایطی، مطالبه قالیباف از وزارت دادگستری و سازمان تعزیرات حکومتی برای نظارت بر بازار، اگرچه در جای خود ضروری است، اما به‌تنهایی راهگشا نیست. رئیس مجلس باید به این پرسش اساسی نیز پاسخ دهد که چرا بانک مرکزی و دولت با افزایش مداوم نرخ ارز، هزینه تأمین کالاها را بالا می‌برند و سپس از دستگاه‌های نظارتی انتظار دارند مانع افزایش قیمت‌ها شوند؟ اگر نرخ ارز تأمین مواد اولیه و کالاهای وارداتی همچنان افزایش یابد، تولیدکننده ناچار به افزایش قیمت خواهد شد و مصرف‌کننده نیز هزینه این سیاست را از جیب خود پرداخت می‌کند. در این وضعیت، برخورد تعزیراتی با حلقه‌های انتهایی زنجیره توزیع، بدون اصلاح سیاست‌های ارزی و مهار هزینه‌های تولید، نمی‌تواند روند عمومی تورم را متوقف کند.

البته گران‌فروشی، احتکار و سوءاستفاده از شرایط جنگی باید با قاطعیت مهار شود، اما نباید این تخلفات به پوششی برای نادیده گرفتن عوامل اصلی گرانی تبدیل شوند.

وظیفه مجلس: از نظارت بر بازار تا نظارت بر سیاست‌های دولت

قالیباف در مقام رئیس مجلس، صرفاً مسئول بیان گلایه‌های مردم یا مطالبه برخورد با گران‌فروشان نیست؛ بلکه مجلس وظیفه دارد بر عملکرد دولت، بانک مرکزی و اجرای قوانین اقتصادی نیز نظارت کند.

از این رو انتظار می‌رود مجلس به جای محدود کردن مطالبه خود به نظارت تعزیراتی، درباره آثار حذف ارز ترجیحی، افزایش نرخ ارز، کاهش قدرت خرید خانوارها و ناکارآمدی سیاست‌های جبرانی دولت نیز بررسی جدی انجام دهد.

اگر مجلس واقعاً به دنبال حمایت از سفره مردم است، باید به جای تعقیب صرفاً مغازه‌دار گران‌فروش، سیاست‌گذارانی را نیز که با تصمیمات خود هزینه زندگی مردم را افزایش می‌دهند، مورد سؤال و پاسخگویی قرار دهد.

گرانی امروز تنها حاصل تخلف برخی فروشندگان نیست؛ بخش مهمی از آن نتیجه تصمیماتی است که در سطح دولت و بانک مرکزی اتخاذ می‌شود. بنابراین مقابله با تورم، علاوه بر نظارت بر بازار، نیازمند اصلاح سیاست‌های ارزی، مهار افزایش هزینه‌های تولید و بازنگری در تصمیمات تورم‌زا است.

مردمی که در شرایط دشوار جنگی پای کشور ایستاده‌اند، بیش از وعده برخورد با گران‌فروشان، به سیاست‌هایی نیاز دارند که واقعاً قدرت خرید آنان را حفظ کند.



جهان در آستانه دور تازه تورم؛

هزینه انرژی و غذا اوج گرفت

گزارش

افزایش قیمت انرژی، اختلال در زنجیره تأمین و رشد بهای مواد غذایی، خطر تداوم تورم جهانی تا سال ۲۰۲۷ را افزایش داده و قدرت خرید خانوارها و سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها را تحت فشار قرار داده است.

افزایش هزینه‌های انرژی، اختلال در زنجیره تأمین کالا و رشد قیمت مواد غذایی بار دیگر خطر تشدید تورم جهانی را به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاد بین‌الملل تبدیل کرده است؛ البته در ماه‌های گذشته بخشی از اقتصادهای جهان توانسته بودند از شدت فشارهای تورمی بکاهند، اما تحولات ژئوپلیتیکی و افزایش هزینه تأمین انرژی بار دیگر چشم‌انداز مهار قیمت‌ها را با ابهام مواجه کرده است. در این میان، افزایش قیمت نفت، هزینه حمل‌ونقل و نهاده‌های تولید مواد غذایی، خطر انتقال موج جدید گرانی به بخش‌های مختلف اقتصاد را افزایش داده است. بر اساس نظرسنجی رویترز در ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶، بیش از ۵۰۰ اقتصاددان در سراسر جهان پیش‌بینی تورم سال ۲۰۲۷ را در ۳۱ اقتصاد از مجموع ۵۰ اقتصاد مورد بررسی افزایش داده‌اند. همچنین پیش‌بینی تورم در ۱۵ اقتصاد از ۲۱ اقتصاد توسعه‌یافته مورد بررسی نیز افزایش یافته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد نگرانی از بازگشت فشارهای قیمتی دیگر محدود به اقتصادهای در حال توسعه نیست و کشورهای صنعتی را نیز درگیر کرده است.

افزایش قیمت انرژی؛ موتور تازه تورم جهانی

یکی از عوامل اصلی تشدید نگرانی‌ها درباره تورم جهانی، افزایش قیمت نفت در پی تحولات نظامی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه است. بر اساس گزارش رویترز، قیمت نفت خام از هفتم اکتبر بالاتر از ۱۰۰ دلار در هر بشکه باقی مانده و در هفته گذشته به بیش از ۱۱۷ دلار رسیده است؛ رقمی که بالاترین سطح شش ماه اخیر محسوب می‌شود. همچنین قیمت نفت از زمان آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. استمرار این وضعیت، هزینه تأمین انرژی را برای کشورهای واردکننده بالا برده و از مسیر افزایش هزینه حمل‌ونقل، تولید صنعتی و خدمات، زمینه انتقال فشارهای قیمتی به سایر بخش‌های اقتصاد را فراهم کرده است. اهمیت این مسئله در آن است که افزایش قیمت انرژی تنها به هزینه سوخت محدود نمی‌شود. بخش قابل توجهی از صنایع جهان برای تولید محصولات خود به انرژی وابسته‌اند و افزایش قیمت نفت و گاز می‌تواند هزینه تولید کالاهای صنعتی، محصولات کشاورزی و خدمات حمل‌ونقل را افزایش دهد. اقتصاددانان شرکت‌کننده در نظرسنجی رویترز نیز هشدار داده‌اند که افزایش هزینه انرژی به‌تدریج در شاخص‌های اصلی تورم نمایان می‌شود و در صورت تداوم تنش‌های منطقه‌ای، احتمال ماندگاری فشارهای قیمتی افزایش خواهد یافت.

براساس همین نظرسنجی، پیش‌بینی میانه تورم سال ۲۰۲۷ در بریتانیا طی سه نظرسنجی فصلی اخیر رویترز ۰.۷ واحد درصد، در منطقه یورو ۰.۵ واحد درصد و در آمریکا ۰.۲ واحد درصد افزایش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد حتی اقتصادهای توسعه‌یافته نیز از پیامدهای افزایش هزینه انرژی مصون نمانده‌اند.

مواد غذایی در مسیر گرانی؛ فشار مضاعف بر خانوارها

در کنار انرژی، بازار جهانی مواد غذایی نیز با مجموعه‌ای از عوامل افزایشی روبه‌رو شده است. اختلال در مسیرهای کشتیرانی، افزایش هزینه کودهای شیمیایی، شرایط نامساعد آب‌وهوایی و نگرانی از تأثیر پدیده ال‌نینو بر تولید محصولات کشاورزی، چشم‌انداز عرضه مواد غذایی را با چالش مواجه کرده است.

رویترز در گزارشی در ۱۹ اکتبر هشدار داد که تورم جهانی مواد غذایی احتمالاً در ماه‌های آینده تشدید خواهد شد و این روند می‌تواند تا سال ۲۰۲۷ ادامه پیدا کند. براساس این گزارش، قیمت برنج در اندونزی به رکوردهای جدید رسیده، هزینه نان در مصر ۲۵ درصد افزایش یافته و قیمت شکر در هند نیز به بالاترین سطح تاریخی خود رسیده است. کاهش بارندگی و افت تولید کشاورزی در برخی مناطق، در کنار افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و نهاده‌ها، از عوامل اصلی این وضعیت عنوان شده است.

همچنین سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در تازه‌ترین گزارش خود درباره شاخص قیمت جهانی مواد غذایی اعلام کرد این شاخص در سپتامبر ۲۰۲۶ به ۱۳۶ واحد رسیده که نسبت به ماه قبل ۱.۵ درصد و در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۵.۸ درصد افزایش داشته است.

بررسی جزئیات این شاخص نشان می‌دهد قیمت غلات در سپتامبر نسبت به ماه قبل ۵.۱ درصد افزایش یافته و به ۱۲۲.۸ واحد رسیده است. قیمت جهانی گندم نیز ۶.۳ درصد و ذرت ۵.۶ درصد رشد داشته است.

در همین دوره، شاخص قیمت روغن‌های گیاهی با افزایش ۰.۹ درصدی به ۱۹۸.۶ واحد رسید و شاخص قیمت شکر نیز با رشد ۶.۱ درصدی در سطح ۱۱۴ واحد قرار گرفت. فائو افزایش قیمت غلات را به اختلالات لجستیکی در منطقه دریای سیاه، محدودیت عرضه صادراتی و نگرانی‌های مربوط به هزینه سوخت و کود نسبت داده است. این سازمان همچنین شرایط نامساعد آب‌وهوایی و چشم‌انداز کاهش تولید شکر در برخی کشورهای تولیدکننده را از عوامل مؤثر بر افزایش قیمت این محصول اعلام کرده است.

> **اقتصاددانان شرکت‌کننده در نظرسنجی رویترز نیز هشدار داده‌اند که افزایش هزینه انرژی به‌تدریج در شاخص‌های اصلی تورم نمایان می‌شود و در صورت تداوم تنش‌های منطقه‌ای، احتمال ماندگاری فشارهای قیمتی افزایش خواهد یافت**

بدهی دولت‌ها و محدود شدن ابزار مقابله با تورم

یکی دیگر از نگرانی‌های اقتصاد جهانی، محدود شدن توان دولت‌ها برای مقابله با شوک‌های اقتصادی در شرایط افزایش بدهی عمومی و هزینه استقراض است.

براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در ۱۴ اکتبر ۲۰۲۶، متوسط بازده اوراق قرضه دولتی ۱۰ ساله کشورهای گروه هفت از فوریه تا سپتامبر بیش از یک واحد درصد افزایش یافته و به بالاترین سطح خود در نزدیک به دو دهه اخیر رسیده است.

افزایش نرخ بهره و هزینه تأمین مالی دولت‌ها می‌تواند منابع بیشتری از بودجه عمومی را به پرداخت سود بدهی‌ها اختصاص دهد و در مقابل، ظرفیت دولت‌ها برای سرمایه‌گذاری زیرساختی، حمایت اجتماعی و مقابله با رکود اقتصادی را محدود کند.

طبق همین گزارش، در کشورهای کم‌درآمد، پرداخت سود بدهی‌ها اکنون بیش از ۱۵ درصد درآمدهای مالی دولت را به خود اختصاص می‌دهد؛ در حالی که این نسبت در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ حدود ۹ درصد بود.

این وضعیت از آن جهت اهمیت دارد که دولت‌ها برای مقابله با تورم ممکن است به سیاست‌های پولی و مالی انقباضی نیاز داشته باشند، اما افزایش هزینه بدهی و فشارهای اجتماعی ناشی از گرانی، اجرای چنین سیاست‌هایی را دشوارتر می‌کند.

چشم‌انداز اقتصاد جهان؛ رشد اقتصادی در کنار تورم ماندگار

نکته قابل توجه در ارزیابی تازه اقتصاد جهانی این است که افزایش نگرانی‌ها درباره تورم لزوماً به معنای ورود اقتصاد جهان به رکود نیست. درواقع، نظرسنجی اکتبر رویترز نشان می‌دهد اقتصاددانان با وجود افزایش پیش‌بینی تورم، برآورد رشد اقتصادی جهان را نیز بهبود داده‌اند. براساس این نظرسنجی، رشد اقتصاد جهانی برای سال ۲۰۲۶ حدود ۳ درصد و برای سال ۲۰۲۷ حدود ۳.۲ درصد پیش‌بینی شده است؛ در حالی که این ارقام در نظرسنجی ماه ژوئیه به ترتیب ۲.۹ و ۳.۱ درصد بود. سرمایه‌گذاری بیش از یک تریلیون دلاری در فناوری هوش مصنوعی از سال گذشته تاکنون، یکی از عواملی است که به پایداری فعالیت اقتصادی در برخی کشورها کمک کرده است. با این حال، تداوم رشد اقتصادی در کنار افزایش هزینه انرژی و مواد غذایی می‌تواند مهار تورم را برای بانک‌های مرکزی دشوارتر کند. در چنین شرایطی، بانک‌های مرکزی ممکن است برای جلوگیری از تثبیت انتظارات تورمی ناچار شوند نرخ بهره را برای مدت طولانی‌تری در سطوح بالا نگه دارند یا در صورت تشدید فشارهای قیمتی، بار دیگر سیاست افزایش نرخ بهره را در پیش بگیرند؛ اقدامی که می‌تواند هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها و خانوارها را افزایش دهد و سرمایه‌گذاری و مصرف را تحت فشار قرار دهد. بر این اساس، اقتصاد جهان در آستانه پایان سال ۲۰۲۶ با مجموعه‌ای از ریسک‌های به‌هم‌پیوسته مواجه است؛ از افزایش هزینه انرژی و اختلال در تجارت جهانی گرفته تا رشد قیمت مواد غذایی و سنگین‌تر شدن بار بدهی دولت‌ها. در این میان، خانوارهای کم‌درآمد و اقتصادهای واردکننده انرژی و مواد غذایی بیش از سایر بخش‌ها در معرض پیامدهای این تحولات قرار دارند و در صورت تداوم شوک‌های عرضه، موج جدید گرانی می‌تواند دستاوردهای پیشین در مهار تورم را با تهدید مواجه کند.

اندیشه متوهمانه ترامپ در محاصره اقلام نهاده‌ای کشاورزی و غذای ایران

حسین شیرزاد

سه ویژگی جهان بی‌نظم امروز در حال همگرایی برای ایجاد یک بحران غذایی ویرانگر هستند. جنگ روسیه در اوکراین صادرات کشاورزی از هر دو کشور را مختل می‌کند. جنگ تحمیل شده از سوی آمریکا و انسداد مداوم تنگه هرمز، حمل‌ونقل کود را محدود می‌کند؛ و النینو امسال (گرمایش پراکنده اقیانوس آرام که اثرات جانبی گسترده‌ای در جاهای دیگر ایجاد می‌کند) می‌تواند شدیدترین النینو ثبت شده باشد و باعث خشکسالی‌های گسترده شود.

جنگ علیه ایران در سال ۲۰۲۶ میلادی ژئوپلیتیک غذا را تغییر داده است؛ نه فقط از طریق افزایش احتمالی قیمت مواد غذایی، بلکه با آشکار کردن این واقعیت که انرژی، کود شیمیایی، حمل‌ونقل دریایی و تولید غذا اجزای یک زنجیره امنیت ملی هستند جنگ علیه ایران در سال ۲۰۲۶ میلادی ژئوپلیتیک غذا را تغییر داده است؛ نه فقط از طریق افزایش احتمالی قیمت مواد غذایی، بلکه با آشکار کردن این واقعیت که انرژی، کود شیمیایی، حمل‌ونقل دریایی و تولید غذا اجزای یک زنجیره امنیت ملی هستند. گزارش‌های سال ۲۰۲۶ (FAO) و مراکز پژوهشی بین‌المللی نشان می‌دهند که اختلال در تنگه هرمز و بازارهای انرژی و کود، آثار جنگ را از منطقه خلیج فارس به کشاورزی و امنیت غذایی کشورهای دیگر منتقل کرده است. همزمان با تلاقی درگیری‌ها، تغییرات اقلیمی و چندپارگی ژئوپلیتیکی، خطر فزاینده‌ای برای بحران جهانی غذا وجود دارد. جنگ روسیه در اوکراین همچنان صادرات غلات را مختل می‌کند، انسداد تنگه هرمز محموله‌های کود را محدود می‌کند و یک النینوی بالقوه شدید، خشکسالی و کاهش برداشت محصولات کشاورزی را در بخش‌هایی از آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین تهدید می‌کند.

این فشارهای همپوشانی، صدها میلیون نفر را که از قبل ناامنی غذایی دارند، تحت تأثیر قرار خواهند داد. در حالی که سازوکارهایی هم برای کاهش تأثیر ناامنی غذایی وجود دارد- به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۲، سازمان ملل، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و بازیگران منطقه‌ای با هم همکاری کردند تا جریان غلات از اوکراین را حفظ کرده و از یک فاجعه گسترده‌تر جلوگیری کنند- اما بسیاری از شرایطی که در آن زمان همکاری را ممکن می‌کرد، امروز ضعیف‌تر هستند. در این میان کشاورزی همچنان یکی از ریشه‌دارترین بن‌بست‌ها در سازمان تجارت جهانی است و آخرین کنفرانس وزیران بار دیگر نتوانست به نتایج قابل توجهی در مورد حمایت داخلی، سهام عمومی یا دسترسی به بازار دست یابد. این امر شکاف خطرناکی در رهبری جهانی ایجاد کرده است. نکته کلیدی این است که غذا از یک کالای صرفاً اقتصادی، بیش از گذشته به ابزار قدرت ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. کشورهایی که به انرژی، کود، غلات، خوراک دام و مسیرهای محدود تجاری وابستگی دارند، در معرض فشار بیشتری قرار می‌گیرند.

کشاورزی در اروپا به عنوان یک ابزار چانه‌زنی

با ادامه جنگ ایران و همگرایی فشارهای جهانی، کشاورزی فراتر از یک مسئله سنتی دسترسی به بازار تکامل یافته است. در مواجهه با عدم قطعیت فزاینده، واکنش اتحادیه اروپا به تدریج درون‌نگرتر شده است. بروکسل تحت فشار کشاورزان و نگرانی‌های فزاینده در مورد آسیب‌پذیری‌های استراتژیک، حمایت از بخش کشاورزی را دو چندان می‌کند، در حالی که رویکردهای جایگزین- چه رقابت‌پذیری ساختاری و اصلاحات کاهش تغییرات اقلیمی، یا تلاش مجدد برای آزادسازی- تا حد زیادی در بحث‌ها غایب هستند. اما آیا این واکنش درستی به افزایش عدم قطعیت جهانی است، یا این خطر را دارد که به جای علل، به علائم بپردازد؟ یک موضع دفاعی‌تر ممکن است ثبات سیاسی کوتاه‌مدت را به همراه داشته باشد، اما می‌تواند دسترسی به نهاده‌های ضروری را نیز محدود کرده و فرصت‌های صادراتی را در طول زمان تضعیف کند. در قلب این بحث، تنش واقعی وجود دارد. اروپا برای حفظ امنیت غذایی، حمایت از صادرات محصولات کشاورزی و دسترسی ایمن به نهاده‌های ضروری، به تجارت آزاد متکی است، اما همزمان به سمت رویکردهای محدودکننده‌تر در مورد واردات حرکت می‌کند.

الف- جنگ از چه مسیرهایی ژئوپلیتیک غذا را تغییر داده است؟

۱. تنگه هرمز؛ از مسیر انرژی تا گلوگاه غذا

تنگه هرمز مسیر انرژی تا گلوگاه غذا است و اختلال در عبور کشتی‌ها، علاوه بر نفت و گاز، تجارت کود و مواد اولیه تولید آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه، یک بحران نظامی منطقه‌ای می‌تواند هزینه تولید کشاورزی را در کشورهای دور از منطقه بالا ببرد.

۲. کود شیمیایی؛ اهرم جدید قدرت

گاز طبیعی ماده اولیه مهم تولید کودهای نیتروژنی مانند اوره است. افزایش قیمت انرژی و محدودیت صادرات کود می‌تواند کشاورزان را به کاهش مصرف کود وادار کند و در ادامه، بازده محصولات را کاهش دهد.

۳. خوراک دام و طیور؛ انتقال بحران به پروتئین

ذرت، کنجاله سویا، انرژی و حمل‌ونقل از عوامل مهم هزینه تولید گوشت و تخم‌مرغ هستند؛ بنابراین، فشار بر بازار نهاده‌ها می‌تواند به افزایش هزینه تولید مرغ، تخم‌مرغ و سایر محصولات دامی منجر شود؛ هر چند شدت اثر به کشور، موجودی انبارها و مسیرهای جایگزین بستگی دارد.

۴. تغییر ائتلاف‌های تجاری و وابستگی کشورها

کشورها ممکن است برای تأمین مطمئن‌تر غذا و کود، قراردادهای بلندمدت‌تر، مسیرهای حمل‌ونقل جایگزین و روابط تجاری جدید ایجاد کنند. این وضعیت می‌تواند نفوذ صادرکنندگان بزرگ غلات و کود را افزایش دهد.

ب- چه کشورهایی ممکن است برنده یا بازنده باشند؟ (جدول)

این‌ها پیامدهای محتمل‌اند، نه تضمین سود یا زیان برای هر کشور. مدت جنگ، وضعیت تنگه هرمز، سیاست‌های صادراتی کشورها و شرایط آب‌وهوایی تعیین می‌کنند که اثر نهایی چقدر باشد.



کشور یا گروه	پیامد ژئوپلیتیکی محتمل
کشورهای واردکننده کود و انرژی	افزایش هزینه تولید و آسیب‌پذیری غذایی
صادرکنندگان بزرگ کود و گاز	افزایش اهمیت راهبردی و قدرت چانه‌زنی، مشروط به تداوم تقاضا و امکان صادرات
صادرکنندگان غلات و دانه‌های روغنی	احتمال افزایش تقاضا برای منابع جایگزین و تغییر مسیرهای تجاری
کشورهای دارای کشاورزی داخلی قوی و ذخایر کافی	تاب‌آوری بیشتر در برابر اختلال واردات
کشورهای کم‌درآمد و وابسته به واردات	خطر بیشتر تورم غذایی، کاهش مصرف پروتئین و فشار اجتماعی

ج- ایران در این معادله چه جایگاهی دارد؟

ایران در این بحران دو موقعیت متفاوت دارد؛ اول، موقعیت ژئوپلیتیکی یعنی قرار گرفتن در مجاورت تنگه هرمز، ایران را به یکی از بازیگران مؤثر بر ریسک مسیرهای انرژی و تجارت منطقه تبدیل می‌کند. این موقعیت می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایجاد کند، اما هم‌زمان خطر تحریم، محدودیت تجارت و افزایش هزینه‌های اقتصادی را نیز بالا می‌برد.

دوم، مسئله موقعیت امنیت غذایی به عبارتی اگر دسترسی به نهاده‌ها، تجارت خارجی، تأمین مالی و حمل‌ونقل دشوارتر شود، تولیدکنندگان داخلی نیز ممکن است با افزایش هزینه و ناامیدانی روبه‌رو شوند؛ بنابراین، اهمیت ژئوپلیتیکی یک کشور لزوماً به معنای بهبود امنیت غذایی یا سودآوری اقتصادی آن نیست.

د- چرا این موضوع برای آسیای مرکزی مهم است؟

کشورهای آسیای مرکزی باید این تحولات را از زاویه امنیت تأمین غلات، کود، خوراک دام، انرژی و مسیرهای تجاری بررسی کنند. افزایش نااطمینانی در مسیرهای جنوبی می‌تواند اهمیت مسیرهای جایگزین، قراردادهای تأمین منطقه‌ای و تولید داخلی را بیشتر کند؛ اما اینکه کدام مسیر واقعاً اقتصادی‌تر است، به هزینه حمل‌ونقل، ظرفیت مرزی، تعرفه‌ها و دسترسی به نهاده‌ها بستگی دارد. با توجه به پروژه زنجیره یکپارچه تأمین نهاده، سه پیامد مشخص برای کشور اهمیت دارد:

۱. امنیت نهاده: تأمین چندمنبعی ذرت، کنجاله سویا، مکمل‌ها و سایر نهاده‌های خوراک دام، به‌جای وابستگی به یک کشور یا مسیر.

۲. امنیت تولید: قراردادهای بلندمدت تأمین، ذخیره احتیاطی نهاده‌ها و سناریوهای مالی برای افزایش هزینه خوراک و انرژی.

۳. مزیت‌های منطقه‌ای: بررسی امکان تبدیل برخی از کشورهای آسیای میانه و مرکزی به پایگاه پایدار تولید نهاده‌های دام و طیور، تخم‌مرغ نطفه‌دار و جوجه یک‌روزه برای بازارهای منطقه، مشروط به رقابت‌پذیری هزینه تولید، سلامت گله، مجوزهای صادراتی و دسترسی به بازار. درواقع اینها فرصت‌های راهبردی قابل بررسی هستند؛ نه اینکه جنگ به خودی خود سودآوری چنین پروژه‌ای را تضمین کند.

ه- آیا تغییر ژئوپلیتیک غذا موقتی است یا ساختاری؟

قیمت جهانی مواد غذایی در حال حاضر تقریباً ۷۵ درصد بالاتر از پایین‌ترین سطح خود در سال ۱۹۹۹ است. تقریباً ۲.۲ میلیارد نفر با ناامنی غذایی مواجه هستند قیمت جهانی مواد غذایی در حال حاضر تقریباً ۷۵ درصد بالاتر از پایین‌ترین سطح خود در سال ۱۹۹۹ است. تقریباً ۲.۲ میلیارد نفر با ناامنی غذایی مواجه هستند. سه تهدید پیش رو برای تأمین مواد غذایی، این وضعیت را بدتر خواهد کرد. یک «ابر النینو» احتمالاً گرما و خشکسالی را برای جنوب آفریقا به ارمغان خواهد آورد و تولید مواد غذایی را در جنوب و جنوب شرقی آسیا به طور قابل توجهی کاهش خواهد داد. این پدیده ممکن است نرخ رو به کاهش تولید گندم را که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۶-۲۰۲۷ در سطح جهان ۳ درصد کاهش یابد (۸ درصد در اتحادیه اروپا، ۱۲ درصد در استرالیا و ۱۹ درصد در آرژانتین) کاهش دهد و قیمت برنج را افزایش دهد.